

بررسی اثر فقر، نابرابری درآمد و شاخص توسعه انسانی بر شادکامی در کشورهای منتخب

زهرا افشاری^۱ و لعیا دهمرده^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۵/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۹/۲۵

چکیده

نبود رابطه نزدیک بین رفاه اقتصادی و رفاه ذهنی توجه بیش از پیش اقتصاددانان را به منظور جایگزینی رویکرد ذهنی برای اندازه‌گیری و ارزیابی رفاه فردی و اجتماعی به جای رویکرد عینی به خود جلب نموده است؛ برای این منظور شاخصی با عنوان شادکامی معرفی شده است. در این مقاله، به بررسی اثر سه متغیر فقر، نابرابری درآمد و شاخص توسعه انسانی بر شادکامی در دوره ۲۰۱۲-۲۰۰۵ پرداخته‌ایم. بدین منظور از داده‌های پانل یک نمونه ۱۰۰ کشوری استفاده کرده‌ایم. برآورد را برای کل کشورها و به تفکیک دو گروه کشورهای توسعه‌یافته، کشورهای در حال توسعه انجام داده‌ایم. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در دو گروه کشورهای مورد مطالعه، فقر اثر منفی بر شادکامی دارد، ولی بهبود توزیع درآمد شادکامی را افزایش می‌دهد. همچنین، نتایج رابطه مثبت بین توسعه انسانی و شادکامی را در کل و به تفکیک کشورها

۱. استاد، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا؛ Afsharizah@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد توسعه اقتصادی و برنامه ریزی، دانشگاه الزهرا (نویسنده مسئول)؛ laya66d@gmail.com

نشان می‌دهد. نتایج این پژوهش به نقش پراهمیت فقر و نابرابری درآمد و توسعه انسانی بر شادکامی جوامع به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه دلالت دارد.

واژگان کلیدی: فقر، نابرابری درآمد، شاخص توسعه انسانی، شادکامی.

طبقه‌بندی JEL: O15، O10، D33، I32.

۱. مقدمه

یکی از موضوع‌هایی که در حوزه شخصیت و روان‌شناسی سلامت اهمیت دارد، شادکامی است. شادکامی و نشاط به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نیازهای روانی، نه تنها تأثیرات عمده‌ای بر شکل‌گیری شخصیت و زندگی انسان دارد، بلکه اهمیت زیادی در سلامت روانی و مقابله با مشکلات دنیای امروز دارد. در دهه‌های اخیر جهان شاهد رشد چشمگیر فناوری در جهت خدمت به جامعه بشری برای تسهیل و تسریع فعالیت‌های روزمره و مشاغل بوده و انتظار افزایش رفاه جوامع از سوی پژوهشگران امری منطقی است؛ اما پس از سال‌ها استفاده از شاخص‌هایی همچون مصرف و درآمد که معیارهایی برای سنجش رویکرد عینی رفاه هستند پژوهشگران به این نتیجه رسیدند که به‌رغم افزایش تولید ناخالص داخلی رفاه جوامع در سال‌ها تغییری نداشته است. همچنان که لیارد^۱ نیز در گزارش "اسرار شادکامی" به این نکته اذعان دارد و می‌گوید: "افراد با تمام وجود درآمد بیشتری را طلب می‌کنند اما جامعه با ثروتمند شدن خوشبخت‌تر نشده است." نبود ارتباط بین رفاه اقتصادی و رفاه ذهنی^۲ توجه بیش از پیش اقتصاددانان را به منظور جایگزینی رویکرد ذهنی برای اندازه‌گیری و ارزیابی رفاه فردی و اجتماعی به‌جای رویکرد عینی به خود جلب نموده است. این روش، رفاه را در قالب شاخص‌های شادکامی و رضایت از زندگی ارزیابی می‌کند. از این رو با توجه به اهمیت رفاه ذهنی در دنیا روزی به نام روز جهانی شادکامی نام‌گذاری شد^۳ که سال ۲۰۱۲ در پی جلسه‌ای به همت سازمان ملل متحد به تصویب رسیده است.

1. Layard

2. subjective well-being

با ورود اقتصاد شادکامی به ادبیات علم اقتصاد بررسی چگونگی اثرگذاری شاخص‌های اقتصادی بر شادکامی امری ضروری است. بدین روی، در این مقاله کوشیده‌ایم تا با استفاده از داده‌های بانک جهانی، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و مراکز دیگر اطلاعاتی جهانی و با تجزیه و تحلیل داده‌های مربوط به ۱۰۰ کشور در سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۱۲ به بررسی اثر سه متغیر فقر، نابرابری درآمد و شاخص توسعه انسانی بر شادکامی بپردازیم.

بر این اساس، مقاله را به صورت زیر سازمان دهی کرده‌ایم؛ ابتدا مروری بر روند شادکامی در جهان و ایران خواهیم داشت. در دو بخش بعدی به مطالعات نظری و تجربی مرتبط با شادکامی می‌پردازیم. سپس، بخش پنجم را به معرفی داده‌ها و تحلیل نتایج اختصاص داده‌ایم. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری بخش پایانی را تشکیل می‌دهد.

۲. مروری بر روند شادکامی در جهان و ایران

با توجه به اهمیت شادکامی افراد و جوامع در سال ۲۰۱۲ در نشستی که از سوی سازمان ملل برگزار شد، گزارشی در راستای شادکامی منتشر شد که در سال ۲۰۱۳ نیز این گزارش تکرار و به بررسی و رتبه‌بندی شادکامی کشورها پرداخته شد. در این گزارش‌ها، کارشناسان برجسته در زمینه‌های مختلف از جمله اقتصاد، روانشناسی، تجزیه و تحلیل نظرسنجی و آمار ملی به توصیف اینکه چطور اندازه‌گیری رفاه ذهنی می‌تواند به‌طور مؤثری برای ارزیابی پیشرفت کشورها استفاده شود، می‌پردازند. شادکامی حداقل به دو شیوه بیان می‌شود: اول به‌عنوان یک احساس "آیا دیروز شاد بودید؟" و دوم، به‌عنوان یک ارزیابی "آیا به‌طور کلی، در زندگی خود شاد هستید؟" بر این اساس در گزارش دوم اطلاعات موجود شادکامی بین‌المللی در مورد این‌که چطور مردم هر دو احساسات و زندگی‌شان را ارزیابی می‌کنند، گردآوری شدند و معیارهای در دسترس به سه نوع اصلی: میزان احساسات مثبت^۱ (اثرات مثبت) از جمله شادی، میزان احساسات منفی^۲ (اثرات منفی) و رضایت از زندگی^۳ تقسیم شدند و پرسش‌هایی متناسب با هر دو تعریف طرح شد که توانایی افراد در تفکیک پاسخ‌های خود به پرسش‌های مربوط به احساسات و ارزیابی زندگی شرط لازم در دستیابی به مقادیر صحیحی از میزان

1. positive emotions
2. negative emotions
3. evaluations of life

شادکامی است. در این گزارش، زندگی به عنوان نردبانی تصور شده که به بالاترین سطح رضایت از زندگی امتیاز ۱۰ و به پایین ترین سطح رضایت عدد صفر داده می شود. شادکامی ۱۵۶ کشور جهان در سه گروه مورد بررسی قرار گرفت و کشورهای را که سطح شادی آنها در بالاترین سطح قرار داشت، به این ترتیب اعلام شده اند: دانمارک، نروژ، سوئیس، هلند، سوئد، کانادا، فنلاند، اتریش، ایسلند و استرالیا. بر اساس این گزارش، مردم رواندا، بروندي، جمهوری آفریقای مرکزی، بنین و توگو در میان کشورهایی هستند که کمترین میزان رضایت را در زندگی خود دارند. شکاف بین گروه بالا و پایین کاملاً بزرگ و مشهود است. متوسط نردبان کانتریل که مقیاسی برای ارزیابی رضایت از زندگی است در گروه بالا ۷/۴۸ است که بیش از ۲/۵ برابر متوسط نردبان در پنج کشور پایین (۲/۹۴) است. رتبه کشورهایی مانند یونان، ایتالیا، پرتغال و اسپانیا به علت تأثیر بحران منطقه یورو کاهش چشمگیری داشته است. مصر، میانمار و عربستان نیز در پرتو آشفتگی های سیاسی و مدنی خود دچار کاهش شدید در سطح رضایت و شادی مردم خود شده اند. مصر بزرگ ترین سقوط را در سطح شادکامی داشته و سطح رتبه آن در سال ۲۰۱۲ به ۴/۳ رسید. در حالی که این رتبه در سال ۲۰۰۷، ۵/۴ اعلام شده بود. آنگولا، زیمبابوه و آلبانی بیشترین افزایش شادی را در میان کشورهای مختلف داشته اند. میزان شادکامی در ایران بر اساس گزارش شادکامی سال ۲۰۱۲ که بر پایه آمار سال های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۲ تهیه شده است، در مقیاس صفر تا ده، ۵/۳۲، متوسط رضایت از زندگی تقریباً برابر ۶/۳۰، میزان متوسط احساسات مثبت و منفی به ترتیب در حدود ۰/۶۳ و ۰/۳۵ است که متأسفانه در مورد احساسات منفی، ایران بیشترین میزان را پس از اراضی فلسطین، عراق، ارمنستان و بحرین دارد. در گزارش سال ۲۰۱۳ ایران با داشتن رقم^۱ ۴/۶۴۳ در مقام ۱۱۵ شادکامی جهان قرار گرفته و این در حالی است که از جایگاه کشورهایی مانند عراق، فلسطین و پاکستان که با بحران های داخلی سیاسی و امنیتی مواجهند، کمتر است. میزان تغییرات شادکامی ایران در مقایسه با سال ۲۰۰۷-۲۰۰۵ برابر ۰/۶۷۷ در جهت کاهش گزارش شده که کاهش شادکامی را نشان می دهد.

۱. برای ارزیابی شادکامی، زندگی به عنوان یک نردبان تصور می شود که به بهترین شکل ممکن زندگی عدد ۱۰ و بدترین شکل ممکن زندگی عدد صفر تعلق می گیرد.

۳. مبانی نظری شادکامی

یکی از ابتدایی‌ترین مسائل در شناخت دقیق هر موضوع ارائه تعریفی دقیق از آن است. در مورد شادکامی تعاریف مختلفی ارائه شده است، ولی تعریف وین هاون^۱ (۱۹۹۲) از شادکامی به نظر جامع و مانع می‌آید. "شادکامی درجه و میزانی است که با آن یک فرد کیفیت کلی زندگی‌اش را به‌عنوان یک زندگی کاملاً مطلوب مورد قضاوت قرار می‌دهد (وین هاون، ۱۹۹۲، به نقل از آزموده و همکاران، ۱۳۸۶).

در کوشش‌های متعددی که در سطوح مختلف برای شناسایی عوامل تأثیرگذار بر شادکامی صورت گرفته است بیشتر بر خصوصیات فردی، اجتماعی و روانی زندگی افراد از جمله سلامتی، جنسیت، مذهب، نژاد، وضعیت تأهل و رضایت شغلی تأکید شده و از بررسی نقش عوامل اقتصادی تا حدود زیادی غفلت شده است.

فقر و شادکامی

فقر یکی از عوامل اقتصادی مؤثر بر شادکامی شناخته شده است. فقر در لغت به معنای ناتوانی در برآورده ساختن نیازهای انسانی است. آدام اسمیت^۲ پدر اقتصاد جدید نیز در تعریف فقر می‌گوید: "فقر به فقدان نیازهاست و این نیازها به‌وسیله عادات‌ها و رسوم جامعه تعیین می‌شود." در واقع، وی نیازها را به دو دسته تقسیم کرده است: "نیازهای اساسی که برای ادامه حیات لازم است و شامل آن چیزهایی که عادات و رسوم هر کشور نبود آن را برای مردمان آبرومند نامناسب می‌داند و نیازهای غیر فیزیولوژیک و غیراساسی." یکی از مشکلات اقتصاد سرمایه داری مبتنی بر بازار آزاد، به‌رغم افزایش تولید ناخالص داخلی، مشکل توزیع نابرابر درآمد و ایجاد شکاف درآمدی بین طبقات مختلف جامعه و در نتیجه به وجود آمدن طبقه فقیر، شمرده می‌شد. از این رو مطالعات درباره فقر به‌طور جدی و علمی از پایان قرن ۱۹ با پژوهش‌های بوت^۳ و راونتری^۴ آغاز شد. پژوهش‌های راونتری (۱۹۰۱) به این منظور بود که وضعیت فقر را در شهر یورک^۵ با وضعیت فقری که بوت در لندن بررسی نموده بود، مقایسه کند. به تدریج پس از شروع مطالعات درباره فقر سازمان همکاری توسعه اقتصادی و بانک جهانی نیز دست به

1. Veenhoven
2. Smith
3. Boot
4. Rowntree
5. York

پژوهش‌های گسترده‌ای در این زمینه در بسیاری از کشورها زنده، همچنین، بانک جهانی مبادرت به تعیین خطوط کلی فقر نمود.

روان‌شناسان معتقدند: فقر و ناکامی افراد را افسرده و ناشاد می‌کند؛ اما وقتی میزان درآمدشان بالا می‌رود، لزوماً شادکامی و نشاط آنها بیشتر نمی‌شود. گروهی از پژوهشگران دانشگاه هاروارد با مطالعه بیماران افسرده که تحت درمان‌های دارویی و فیزیکی ضدافسردگی قرار داشتند، به این نتیجه دست یافتند که فقر از عوامل خطر ساز بیماری افسردگی است. همچنین، در این پژوهش مشخص شد که بیماران افسرده با سطح اجتماعی متوسط در مقایسه با بیماران با سطح اجتماعی پایین‌تر به درمان‌های ضدافسردگی تقریباً تا دو برابر پاسخ مثبت می‌دهند. دانیل کاهمان^۱ (۲۰۱۰) نشان داد که پول نمی‌تواند برای ما عشق بخرد، اما اگر درآمد بالایی نداشته باشیم، می‌تواند ما را شاد کند. او در نمونه هزار نفری در آمریکا به این نتیجه رسید که میزان افزایش شادکامی با سطح درآمد افراد در خطی موازی قرار دارند. وی دریافت که میزان رضایت از زندگی به صورت ثابتی با افزایش درآمد افزایش پیدا می‌کند، شادی نیز با افزایش درآمد بیشتر می‌شود؛ به شرطی که درآمد از سالی ۷۵ هزار دلار بیشتر یا کمتر نباشد. این در حالی است که برای افرادی که بیش از این مقدار درآمد دارند، میزان شادکامی به عوامل دیگری بستگی دارد. کانمان سرانجام به نتیجه جالب دیگری نیز دست یافت و اعلام کرد که بحران‌های عاطفی ناشی از تجربیات منفی مانند طلاق یا ابتلا به بیماری در کنار فقر تشدید می‌شود؛ یعنی شاید پول نتواند شادکامی را برای فرد به ارمغان بیاورد، اما بی‌پولی به‌طور قطع با دردها و بحران‌های عاطفی در ارتباط است. نتایج به‌دست‌آمده از نخستین گزارش شادکامی جهان نیز بیان می‌کند که به‌طور متوسط، مردم ثروتمندتر شادکام‌تر از مردم فقیر هستند، اما ثروت تنها یکی از عوامل مؤثر بر شادکامی است. عواملی مانند آزادی شخصی، نبود فساد و حمایت اجتماعی از اهمیت بیشتری برخوردارند.

شادکامی و توسعه اقتصادی

گروهی از اقتصاددانان با بررسی این پرسش که آیا توسعه اقتصادی توان خرید خوشبختی را دارد یا خیر به این نتیجه رسیدند که رضایت از زندگی در میان افرادی که

1. Daniel Kahneman

در ثروتمندترین کشورها زندگی می‌کنند، کاهش یافته است. پژوهش‌های انجام شده توسط یوجینیو پروتو^۱ از دانشگاه وارویک و راستچینی^۲ از دانشگاه مینه سوتا (۲۰۱۳) نشان می‌دهد که سطح رضایت از زندگی با ثروت کشور افزایش می‌یابد تا مردم بتوانند نیازهای اولیه خود را تأمین کنند. این در حالی است که نتیجه شگفت‌انگیز اینجاست که وقتی درآمد به یک سطح مشخصی می‌رسد (حدود ۳۶ هزار دلار) سطح رضایت از زندگی به اوج خود می‌رسد و پس از آن در کشورهای بسیار ثروتمند اندکی کاهش می‌یابد.

از زمانی که استرلین نخستین بار فرضیه "پول مهم است، اما تا اندازه‌ای" را در سال ۱۹۷۴ بیان کرد، دیگر نمی‌توان گفت به اندازه کافی پولدار بودن و درآمدهای سنگین به خوشحالی منتهی می‌شوند. استیونسون^۳ و ولفرس^۴ (۲۰۰۸) از دانشگاه میشیگان دریافتند که اگرچه بعضی کشورها به نظر از کشورهای دیگر شادتر به نظر می‌رسند، همه‌جا کسانی که پولدارتر بودند از زندگی‌شان رضایت بیشتری داشتند.

ساکس و همکاران^۵ (۲۰۱۲) نشان دادند که ساکنان کشورهای ثروتمندتر از کشورهای فقیرتر، شادترند. یافته این پژوهشگران، "پارادوکس استرلین" را که به مدت سه دهه رایج بوده است، به چالش کشید. بر اساس این دیدگاه، افزایش تولید ناخالص داخلی به معنای رفاه بیشتر مردم نیست. رواج چنین باورهایی مسئولان کشورهای مختلف را به تلاش برای یافتن راه‌های تازه‌ای برای ارتقای کیفیت زندگی مردم واداشته بود، اما یافته این پژوهشگران نادرستی پارادوکس استرلین را اثبات می‌کند.

شادکامی و توسعه انسانی

در گزارش توسعه انسانی برای بررسی میزان توسعه انسانی ملل مختلف از سه شاخص زندگی طولانی و سالم، دسترسی به دانش و معرفت و سطح زندگی مناسب استفاده می‌کنند. بهبود هر یک از این سه مورد به افزایش شاخص توسعه انسانی کشورها منجر

1. Proto
2. Rustichini
3. Stevenson
4. Wolfers
5. Sacks *et. al.*

می‌شود. در این قسمت، به دلیل کمبود مطالعات درباره تأثیر مستقیم شاخص توسعه انسانی بر شادکامی، به سه معیار ارزیابی این شاخص رجوع می‌کنیم.

ارتباط میان تحصیلات و شادکامی مانند ارتباط بین ثروت و شادکامی است. یعنی در کل نمی‌توان گفت هر چه تحصیلات بالاتر رود، شادکامی بیشتر می‌شود، ولی از آنجا که ممکن است افراد با تحصیلات بالاتر حداقل در حد برآورده نمودن نیازهای اساسی زندگی، درآمد داشته باشند، بنابراین، کم‌بودن میزان شادکامی آن‌ها ممکن است به این دلیل نباشد، ولی در مجموع، بین میزان تحصیلات و شادکامی ارتباط حتمی وجود ندارد (عابدی، ۱۳۸۵). یافته‌های پژوهش‌ها نشان می‌دهد که همبستگی معنادار اما کم، بین میزان تحصیلات و شادکامی وجود دارد. با گذشت زمان، نقش تحصیلات بر شادکامی در ایالات متحده کم‌رنگ‌تر شده است. بخش اصلی از ارتباط بین تحصیلات و شادکامی از همبستگی تحصیلات با موفقیت شغلی و درآمد ناشی می‌شود. جالب‌تر اینکه آنها معتقدند که تحصیلات اگر به انتظاراتی منجر شود که نتوان آنها را برآورده ساخت، ممکن است حتی با شادکامی تداخل کند، بنابراین، فاصله بین هدف و دستیابی به آن را افزایش می‌دهد (یزدانی، ۱۳۸۲). کلارک و اوسوالد^۱ (۱۹۹۴) بیان کردند که افراد بیکار با تحصیلات عالی سطوح پایین‌تری از رفاه ذهنی را نسبت به افراد بیکار با تحصیلات پایین‌تر گزارش می‌کنند. وین هاون (۲۰۱۰) هیچ الگویی را میان دو متغیر شادکامی و تحصیلات در کشورهای توسعه‌یافته پیدا نکرد. او دو تفسیر را بررسی کرده و برای توجیه آن بیان می‌کند که ممکن است رابطه میان دستیابی به آموزش و شادکامی خطی نباشد. هلی ول^۲ (۲۰۰۳) یک مدل رگرسیون چندگانه در مورد نمونه بین‌المللی به دلیل نتایج مطالعه عوامل تعیین‌کننده شادکامی اجرا می‌کند و درمی‌یابد که دستیابی به آموزش به‌روشنی با شادکامی وابستگی ندارد.

در قرن اخیر پیشرفت‌های علمی در زمینه پزشکی به افزایش سطح بهداشت عمومی در سراسر دنیا منجر شده است. پژوهشگران برای سنجش متوسط طول عمر در یک جامعه از شاخصی به نام امید به زندگی استفاده می‌کنند. هر چه شاخص‌های بهداشتی و همچنین درمانی بهبود یابد امید زندگی افزایش خواهد یافت؛ از این رو این شاخص یکی از شاخص‌های سنجش پیشرفت و عقب‌ماندگی کشورهاست. بر اساس آمار سازمان ملل کشورهای ژاپن، هنگ کنگ، ایسلند، سوئیس و استرالیا به ترتیب در جهان مقام‌های

1. Clark and Oswald
2. Helliwell

نخست را دارند که با حدود ۸۲ سال از میانگین جهانی ۲۲ درصد بالاتر است. این کشورها به لحاظ شاخص توسعه انسانی رتبه بالایی داشته و در مقایسه با دو معیار دیگر (دسترسی به دانش و معرفت و سطح زندگی) سهم بالاتری در تعیین میزان توسعه یافتگی دارند.

وین هاون (۱۹۹۴) نیز ارتباط شادکامی با سلامت را چنین بیان می‌کند که: اولاً نبود شادکامی استرس‌زاست و استرس می‌تواند بیماری‌های خطرناکی تولید کند؛ ثانیاً شادکامی برای رشد روانی فرد لازم و مفید است، زیرا شادکامی به شخص کمک می‌کند که با فشارهای روحی مقابله کند. از آنجا که نبود سلامتی موجب مختل‌شدن فرآیند دستیابی به اهداف می‌شود، باعث تأثیر منفی بر شادکامی می‌شود.

سلامتی خوب مانند شادکامی و خوشبختی بستگی به ذهن دارد؛ به بیان دیگر، بستگی به این دارد که چه نگرشی در سر دارید. انسان شاد و مثبت تا حدود زیادی از سلامتی خوبی برخوردار است، زیرا ذهن خود را با افکاری پر می‌کنند که باعث تولید اندورفین در بدن آنها می‌شود و این امر سلامتی را افزایش می‌دهد. برعکس، افکار و احساسات منفی در بدن انسان تولید سم می‌کند که برای انسان مضر است (قرچه‌داغی، ۱۳۷۷). در نتیجه، شادکامی و سلامت جسم و روح در تقابل مثبت با یکدیگر قرار دارند. سطح زندگی مناسب برای افراد مختلف دارای تعاریف متفاوتی است؛ اما به طور کلی می‌توان شامل موارد زیر دانست.

شادکامی و اوقات فراغت

تفریح می‌تواند به شادی منجر شود و این بدان معناست که فعالیت‌های تفریحی آن چیزی است که افراد خودشان آزادانه انتخاب می‌کنند، آنها چیزهایی را انتخاب می‌کنند که از آن لذت می‌برند. از آنجا که تفریح تحت کنترل ما قرار دارد و به راحتی می‌توان آن را تغییر داد، اهمیت زیادی دارد. تعطیلات نیز منبعی از شادی و آرامش است. (ادینگتون و شومن، ۲۰۰۴، به نقل از فرزادفر، ۱۳۸۵). همچنین، معلوم شده است که روزهای تعطیل موجب افزایش عاطفه مثبت نمی‌شود، بلکه کاهش چشم‌گیری در عواطف منفی ایجاد می‌کند.

موفقیت و تأیید اجتماعی

عزت نفس ارتباط نزدیکی با شادی دارد و همان طور که مشخص است یکی از شایع ترین منابع لذت محسوب می شود. موفقیت و تأیید اجتماعی مهم ترین منبع شادی است؛ البته عزت نفس تا حدودی به ارتباط با دیگران و تا حدودی به عملکرد موفقیت آمیز بستگی دارد (گوهری و همکاران، ۱۳۸۲).

فقر و درآمد

رابطه بین درآمد متوسط کشورها و میزان شادکامی آنها چندین مرتبه مورد بررسی قرار گرفته است. پارادوکس معروف "استرلین" که نشان می دهد شادکامی و درآمد برای افراد به صورت درون کشوری دارای همبستگی هستند، نه برون کشوری، رد شده است (استرلین^۱، ۱۹۷۴). اقتصاددانی، با استفاده از داده های جدیدتر و باکیفیت بالاتر، دریافت رابطه مثبت قوی میان درآمد سرانه کشورها و میزان متوسط شادکامی وجود دارد. (دیتون^۲، ۲۰۰۷). این اثر به ویژه میان سالمندان قوی بود یا به عنوان مثال احتمال نارضایتی سالمندان کشورهای فقیر نسبت به همتایان خود در کشورهای ثروتمند بیشتر است. این یافته توسط دو پژوهشگر با استفاده از روش های متفاوت تأیید شده است (استیفن و ولفرس^۳، ۲۰۰۸). پژوهشگر دیگری اهمیت درآمد در مقابل عوامل دیگر شادکامی افراد را آزمون کرد و دریافت که درآمد، اگرچه قابل توجه است، ولی از متغیرهای دیگر کم اهمیت تر است (هلی ول^۴، ۲۰۰۹).

نابرابری درآمد و شادکامی

سومین عامل مؤثر در ایجاد شادکامی که در این پژوهش بررسی کرده ایم، نابرابری درآمد^۵ است. برخی نظریه ها و دیدگاه های مطرح شده در حوزه شادکامی، به میزان و چگونگی تأثیر عوامل عینی و بهبود شرایط مادی بر سطح شادکامی افراد پرداخته است. بیشتر نتایج این مطالعات نشان می دهد که شرایط عینی، به خودی خود نقش

1. Easterlin

2. Deaton

3. Stephenson & Wolfers

4. Helliwell

5. Income Inequality

تعیین‌کننده‌ای در سطح شادکامی افراد ندارند. یکی از پیروان این دیدگاه، لین^۱ (۲۰۰۰) است که اعتقاد دارد تأکید بر پول، به حاشیه رانده شدن حوزه‌های خصوصی و خودمانی و در نتیجه، تشدید اضطراب‌ها و کاهش رضایت و شادکامی منجر شده است. اوت (۲۰۰۱) در نقد نظر لین، اظهار می‌کند به واسطه گسترش آزادی‌ها، اثرات منفی بازار و پول بر شادکامی جبران شده که این امر نیز، به ثابت ماندن سطح شادکامی منجر شده است.

در مقاله‌ای که توسط یک روانشناس نوشته شده به این نتیجه دست یافته که برابری درآمد بیشتر در محله‌های آمریکایی میزان شادکامی بیشتری را پیش‌بینی می‌کند، اگرچه اندازه اثر توسط تأثیر درآمد خانوار به مراتب بیشتر است. (هگرتی^۲، ۲۰۰۰). مقاله دیگری که به مقایسه آمریکایی و اروپایی‌ها می‌پردازد، نتیجه می‌گیرد که پاسخ‌های مختلف به نابرابری بر اساس وضعیت اجتماعی و گرایش‌های سیاسی است. (السینا^۳، ۲۰۰۴). پژوهشگران دریافته‌اند که در کشورهای اروپایی با نابرابری بیشتر افراد فقیر چپ‌گرا سطوح پایین‌تری از شادکامی را گزارش می‌کنند. همچنین، در ایالاتی از آمریکا که نابرابری بیشتر است تنها ثروتمندان چپ‌گرا آمریکایی سطوح پایین‌تری از شادکامی را گزارش می‌دهند. مطالعه دیگری با تمرکز بر امریکای لاتین نشان می‌دهد که سطح فردی شادکامی با درآمد مطلق پیش‌بینی نمی‌شود، اما به طور حتم با درآمد نسبی پیش‌بینی می‌شود (گراهام^۴، ۲۰۰۶).

مقاله پایانی بر نابرابری شادکامی و معیارهای مختلف درآمد، از جمله نابرابری درآمد تمرکز دارد. با استفاده از داده‌های سری زمانی چهار کشور، پژوهشگران نتیجه گرفتند که نابرابری درآمد، برابری شادکامی پایین‌تری را منجر می‌شود. (کلارک^۵، ۲۰۱۲). با کنار هم قراردادن این پژوهش‌ها به دو نتیجه کلی می‌رسیم؛ اولاً، نابرابری درآمد و درآمد نسبی افراد برای شادکامی با اهمیت هستند. ثانیاً، رابطه بین نابرابری درآمد و شادکامی احتمالاً در تمام مناطق و کشورها متفاوت است.

1. Lean
2. Hagerty
3. Alesina
4. Graham
5. Clark

۴. مروری بر مطالعات پیشین

آلوئیس^۱ (۲۰۱۴) در مقاله خود با عنوان "نابرابری درآمدی و شادکامی: آیا مرتبط‌اند؟" با استفاده از رگرسیون‌هایی با اثرات ثابت به بررسی ارتباط بین شادکامی و نابرابری درآمدی میان ۳۰ کشور پرداخته‌است. بر این اساس، پژوهش وی سه یافته اصلی دارد: اولاً، شادکامی و نابرابری درآمدی مطابق انتظار دارای همبستگی منفی با یکدیگر هستند. ثانیاً، نواحی مختلف دارای ویژگی‌هایی هستند که به شدت بر اثر نابرابری درآمدی بر شادکامی تأثیرگذار است. ثالثاً، همبستگی بین نابرابری درآمدی و شادکامی از حیث بزرگی با همبستگی بین درآمد متوسط و شادکامی برابر است.

جیانگ^۲ و همکاران (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان "هویت، نابرابری و شادکامی: شواهدی از مناطق شهری چین" به بررسی تأثیر نابرابری درآمدی بر شادکامی در کشور چین پرداختند. بر اساس یافته‌های آنها نابرابری‌های بین گروهی در میان مردم بر شادکامی اثرات منفی بر جای می‌گذارد که این امر به وسیله شکاف درآمدی بین مهاجران با ساکنان مناطق شهری اندازه‌گیری شد. بر اساس یافته‌های این پژوهش، هنگامی که اثرات متغیرهای هویت فردی، خانوار و ویژگی‌های زندگی شهری کنترل شود، نابرابری که به وسیله ضریب جینی در نقاط شهری اندازه‌گیری شده و دارای همبستگی مثبت با شادکامی است.

ماریلو و کیوهوس^۳ (۲۰۱۲) در مقاله خود با عنوان "رفاه ذهنی و اقتصادهای منتخب، عوامل جمعیت شناختی و شغلی در کشورهای در حال توسعه" با در نظر گرفتن نمونه‌ای از ۱۰ کشور عوامل تأثیرگذار شغلی و جمعیت شناختی را بر شادی بیشتر و کمتر در این کشورها بررسی کرده‌اند. بر این اساس، ساکنان در کشورهای شادتر از وضعیت بهتری در متغیرهای سلامت، درآمد و عوامل شغلی نسبت به کشورهای با ساکنان در کشورهای کمتر شادتر برخوردارند. از عوامل دیگر پژوهش آنها می‌توان به همبستگی بین شادکامی در بین کشورها اشاره کرد که در نهایت به ارائه نتایج بهتر و توسعه معیارهایی جدید برای محاسبه شادکامی و رفاه در آینده منجر خواهد شد.

1. Alois
2. Jiang
3. Marilou and Kiohos

نوتسن^۱ (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان "تولید ناخالص داخلی، نابرابری، دموکراسی و شادکامی ملل" به اثرات سه متغیر بیان شده بر شادکامی پرداخته است. بر اساس نتایج پژوهش وی، اثرات مستقیم رفاه ذهنی بر تولید ناخالص داخلی سرانه بیش از دموکراسی و نابرابری است. همچنین، تولید ناخالص داخلی سرانه دارای اثرات مثبت و معناداری بر رفاه ذهنی است. در مورد نابرابری درآمدی و اثرات آن بر رفاه ذهنی ضریب تأثیرگذاری منفی و ناچیز است. از نتایج دیگر پژوهش نوتسن می‌توان به این نکته اشاره کرد که تغییرات سطوح دموکراسی تأثیرات معناداری بر شادکامی داشته و در یک جامعه پایدار با سطوح بالای توسعه و دموکراسی شادکامی بالاتری مورد انتظار خواهد بود.

تاکنون در ایران پژوهشی در زمینه بررسی اثر عوامل اقتصادی بر شادکامی صورت نگرفته است. با توجه به این مطالب می‌توان دو مطالعه زیر را که ارتباط نسبی بیشتری با این پژوهش دارد، عنوان کرد:

نیلی و بابازاده (۱۳۹۱) در مقاله خود با عنوان "شناسایی عوامل مؤثر بر رفاه ذهنی در ایران" با تجزیه و تحلیل داده‌های رفاه ذهنی خرد مربوط به ۴۶۲۰ مشاهده جمع‌آوری شده در دو سال (۲۰۰۳ و ۲۰۰۵) دریافتند که به‌طور کلی درآمد، وضعیت شغلی، سلامت فردی، اعتقادات مذهبی، روابط و پیوندهای خانوادگی، سن و جنسیت بر سطح رفاه شهروندان ایرانی اثرگذارند.

کوشا و محسنی (۲۰۰۰) در "آیا ایرانیان شاد هستند؟ مقایسه بین ایران و ایالات متحده" مقایسه‌ای بین مردم ایران و ایالات متحده (ایالت مینه‌سوتا) انجام دادند. پژوهش آنها، در سال ۱۹۹۵ بر روی ۵۴۴ نفر در ایالات متحده و در سال ۱۹۹۷ روی ۱۰۵۵ نفر در ایران (تهران) انجام شد. در این بررسی، میزان شادکامی مردم ایران، با در نظر گرفتن جنس، سن، درآمد و درجه تحصیلات، مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفت که علاوه بر نشان دادن ارتباط رضایت و خرسندی افراد با ابعاد دیگر زندگی شان، عوامل مؤثر در شکل‌گیری و تشدید و تضعیف شادکامی و خوشحالی نیز به دقت بررسی شد و نتایج آن، با نتایج به دست آمده از پژوهش‌هایی که در سال ۱۹۹۴ روی آمریکایی‌ها انجام شد، مقایسه شد. داده‌ها نشان می‌دهد که در مقیاسی وسیع، ایرانیان، مردمانی شاد نیستند. افزون بر این، سطح شادمانی آنها نیز منعکس‌کننده جایگاه اجتماعی و وضعیت اقتصادی بیشتر جوامع در حال پیشرفت است و تغییرات جمعیتی، تأثیر چندانی بر

شادمانی فرد ندارد. به نظر می رسد عواملی که بر شادکامی تأثیر گذارند، در هر دو جامعه یکسان بوده و درجه اهمیت عوامل، تفاوت زیادی در دو جامعه ندارد.

۵. داده‌های آماری و بیان مدل

۵-۱. چگونگی گردآوری داده‌ها

اطلاعات موجود در مورد متغیرها به تفکیک هر کشور از داده های موجود در بانک جهانی، سازمان همکاری توسعه اقتصادی و وبسایت های دیگر رسمی معتبر جهانی و منطقه ای جمع آوری شده اند. به دلیل نبود برخی آمارها در بعضی کشورها با توجه به دسترسی به داده‌ها کشورهایی انتخاب شده‌اند.

- فقر^۱: خط فقر یا آستانه فقر کمترین درآمدی است که برای زندگی در یک کشور خاص در نظر گرفته می شود. برای کشورهای اروپایی از "جمعیت در معرض ریسک فقر" استفاده شده است (مرکز آمار اروپا). برای کشورهای دیگر از "جمعیت زیر خط فقر" استفاده شده است.
- نابرابری درآمد^۲: نابرابری درآمد با ضریب جینی اندازه گیری شده است.
- شاخص توسعه انسانی^۳: شاخصی ترکیبی از سه معیار پایه از توسعه انسانی، زندگی طولانی و سالم، دسترسی به دانش و درآمد است (سن، ۱۹۸۵).
- شادکامی^۴: در گزارش شادکامی جهان، شادکامی شامل سه عنصر اصلی: میزان احساسات مثبت، نبودن احساسات منفی و متوسط سطح رضایت در یک دوره از زندگی است. (گزارش شادکامی جهان، ۲۰۱۳).^۵

۵-۲. برآورد مدل

در این پژوهش به منظور برآورد مدل از داده‌های تابلویی^۶ استفاده کرده ایم. داده‌های تابلویی به یک مجموعه داده‌هایی گفته می شود که براساس آن مشاهدات به وسیله تعداد

1. Poverty
2. Income Inequality
3. Human Development Index
4. Happiness
5. Helliwell, *et. al.*
6. Panel Data

زیادی از متغیرهای مقطعی (N)، که اغلب به صورت تصادفی انتخاب می‌شوند، در طول یک دوره زمانی مشخص (T) مورد بررسی قرار گرفته باشند. یکی از مشکلات ترکیب داده‌های مقطعی و سری‌های زمانی در وجود متغیرهای غیرقابل اندازه‌گیری اثرگذار بر متغیر وابسته به مدل است. بنابراین، اگر با روش‌هایی این متغیرها کنترل شود، می‌توان از روش حداقل مربعات معمولی یا حداقل مربعات تعمیم‌یافته^۱ برای رسیدن به برآورد-های کارا در مدل استفاده کرد. در این مدل، برای دستیابی به برآورد کارا از روش حذف متغیرهای غیرقابل اندازه‌گیری اثرگذار در مدل استفاده می‌کنیم. به کارگیری این روش موجب حذف بسیاری از متغیرهای مهم اثرگذار در رگرسیون داده‌های تابلویی می‌شود. به این دلیل می‌توان با وارد کردن این متغیرها در اجزای خطا، از مدل اثر تصادفی استفاده کرد. نخستین شرط برای استفاده از مدل اثر تصادفی آن است که متغیرها به صورت تصادفی انتخاب شده باشند. همان‌طور که توضیح داده شد، برای استفاده از داده‌های تابلویی مدل‌های مختلفی وجود دارد. برای آزمون صحت و قوت مدل‌های مختلف از آزمون‌های متعددی استفاده می‌شود. رایج‌ترین آنها آزمون چاو^۲ برای تشخیص استفاده از مدل اثر ثابت در مقابل مدل برآوردی داده‌های ادغام شده، آزمون هاسمن^۳ برای استفاده از مدل اثر ثابت در مقابل اثر تصادفی است. همچنین، از آزمون ولدریج برای بررسی فرض نبود خودهمبستگی اجزای اخلاص استفاده شده است. در ادامه، به بررسی نتایج آزمون‌ها می‌پردازیم.

۵-۳. نتایج

۵-۳-۱. خودهمبستگی

ابتدا به بررسی بود یا نبود خودهمبستگی میان اجزای اخلاص می‌پردازیم. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در هر سه گروه مورد بررسی در پژوهش با مشکل خودهمبستگی میان اجزای اخلاص روبه‌رو هستیم که با استفاده از روش FGLS نسبت به رفع خودهمبستگی اقدام نموده‌ایم.

1. General Least Square
2. Chow
3. Hausman

جدول ۱. نتایج آزمون ولدریج

نام گروه	مقدار	احتمال	نتیجه
تمام کشورها	۵۹۱/۰۷	۰/۰۰۰۰	خودهمبستگی دارد
کشورهای توسعه‌یافته	۹۰/۳۱۱	۰/۰۰۰۰	خودهمبستگی دارد
کشورهای در حال توسعه و با توسعه‌یافتگی پایین	۳۳۲/۱۳۰	۰/۰۰۰۰	خودهمبستگی دارد

مأخذ: یافته‌های این پژوهش.

۵-۳-۲. نتایج برآورد مدل اثرات ثابت یک طرفه

بر اساس اطلاعات جدول ۲ و نتایج آزمون تشخیصی F-Limer متفاوت بودن عرض از مبدأ مقاطع در سطح معناداری ۹۹ درصد برای کشورهای منتخب تأیید می‌شود. آزمون هاسمن برای تشخیص اثرات ثابت یا اثرات تصادفی بودن عرض از مبدأهای مختلف مقاطع در داده‌های تابلویی استفاده می‌شود. فرضیه صفر در این آزمون تصادفی بودن عرض از مبدأ مقاطع است. برای انجام این آزمون ابتدا مدل را به صورت اثرات تصادفی برآورد کرده، سپس، آزمون هاسمن را انجام داده که نشان‌دهنده استفاده از مدل با اثرات ثابت است.

جدول ۲. نتایج برآورد برای تمام کشورها

آزمون	آماره (کای-دو)	درجه آزادی	احتمال (p-value)
اف-لیمر	۸۶۰/۶۵۲***	۹۹	۰/۰۰۰
هاسمن	۱۴/۵۸۸***	۳	۰/۰۰۲
نتایج برآورد با اثرات ثابت			
نام متغیر	ضرایب	آماره T	
عرض از مبدأ	۴/۲۷۵*** (۰/۰۰۰۰)	۵/۳۵۲۵	
فقر	-۰/۰۰۶* (۰/۰۵)	-۰/۷۷۵۹۲	
ضریب جینی	-۰/۰۱۳** (۰/۰۴)	۲/۸۴۶۰۴	
شاخص توسعه انسانی	۲/۱۲۹*** (۰/۰۰۵)	۱۶/۴۰۳۹	

*** معناداری ضریب در سطح ۹۹ درصد،

** معناداری ضریب در سطح ۹۵ درصد

* معناداری ضریب در سطح ۹۰ درصد است.

مأخذ: یافته‌های این پژوهش.

با توجه به نتایج به دست آمده از برآورد رگرسیون شادکامی روی سه متغیر مستقل فقر، نابرابری درآمد و توسعه انسانی به تفسیر ضرایب می‌پردازیم. همان‌طور که مشاهده می‌شود، علامت جبری ضرایب دو متغیر فقر و نابرابری درآمد (که ضریب جینی نشانگر آن است)، منفی است. این موضوع، گواهی بر وجود ارتباط معکوس میان این دو متغیر با شادکامی است. علامت ضریب توسعه انسانی نیز مثبت بوده که حاکی از وجود ارتباط مثبت میان توسعه انسانی و شادکامی است. نتایج به دست آمده تأییدکننده یافته‌های پژوهش‌های پیشین صورت‌گرفته در این زمینه بوده که در فصل پیشین نیز به آن اشاره شد. در سطح اطمینان ۹۰ درصد هر سه متغیر بیان‌کننده رابطه معناداری با شادکامی هستند. بر این اساس، شاخص توسعه انسانی با ضریب ۲/۱۲ دارای بیشترین تأثیرگذاری بر شادکامی است. این ضریب نشان می‌دهد که با افزایش یک واحدی در شاخص توسعه انسانی شادکامی جوامع به میزان بیش از ۲ واحد بهبود خواهد یافت. نابرابری درآمدی با ضریب ۰/۱۳ در رتبه دوم شدت تأثیرگذاری بر شادکامی بوده و ضریب این متغیر کاهش ۰/۱۳ واحدی در شادکامی به ازای افزایش یک واحدی در نابرابری درآمد را نشان می‌دهد. سرانجام، یافته‌ها تأییدکننده نتایج مطالعات پیشین در این زمینه است.

در این پژوهش به منظور بررسی دقیق‌تر تأثیر متغیرهای مستقل یادشده بر شادکامی، کشورها به دو گروه (۱) کشورهای توسعه‌یافته،^۱ (۲) کشورهای در حال توسعه^۲ و با توسعه‌یافتگی پایین^۳ تفکیک شده‌اند.

ابتدا، آزمون‌ها و نتایج برآورد را برای ۲۸ کشور که دارای شاخص‌های توسعه انسانی بسیار بالا هستند، مورد ارزیابی قرار می‌دهیم. همان‌طور که اشاره شد، از آزمون F لیمر برای تشخیص یکسان بودن عرض از مبدأ مقاطع (pool) و یا متفاوت بودن عرض از مبدأ مقاطع (panel) استفاده می‌شود. بر اساس نتایج به دست آمده، فرضیه صفر آزمون مورد نظر در سطح اطمینان ۹۹ درصد پذیرفته نخواهد شد و مدل مورد استفاده بایستی با عرض از مبدأهای متفاوت (پانل) باشد.

در گام دوم، با توجه به نتایج جدول ۳، تصادفی بودن عرض از مبدأ مقاطع مختلف (در واقع فرضیه صفر) پذیرفته نخواهد شد. بنابراین، برآورد مدل باید بر اساس اثرات ثابت صورت گیرد.

1. Developed Countries

۲. کشورها با توسعه یافتگی بالا و متوسط در این گروه قرار گرفته‌اند.

3. Developing Countries And Low Developed Countries

نتایج آزمون مدل با اثرات ثابت برای ۲۸ کشور توسعه‌یافته نشان می‌دهد که علامت جبری متغیر فقر حاکی از وجود رابطه عکس این متغیر با شادکامی بوده و با یافته‌های استیونسون و ولفرس مبتنی بر وجود رابطه مستقیم میان ثروت و رضایت از زندگی هم سو است. همچنین، با یافته‌های پژوهشگران مدرسه وارتون که بیان کردند هر چه کشورها ثروتمندتر باشند مردم آن شادکامی بیشتری دارند، مطابقت دارد. در تمامی مطالعات انجام‌شده تأکید پژوهشگران بر این نکته است که پول به ایجاد شادی و احساس شادکامی در افراد منجر می‌شود، اما تا یک حد آستانه و پس از آن عوامل دیگری در ایجاد شادکامی دخیل می‌شوند.

جدول ۳. نتایج برآورد برای کشورهای توسعه‌یافته

احتمال (p-value)	درجه آزادی	آماره (کای-دو)	آزمون
۰/۰۰۰	۲۷	۱۹۲/۰۹۳***	اف-لیمر
۰/۰۰۰	۳	۳۰/۴۱۲***	هاسمن
نتایج برآورد با اثرات ثابت			
	آماره t	ضرایب	نام متغیر
	-۱/۱۹۰۲۶	۹/۱۶۲*** (۰/۰۰۰)	عرض از مبدأ
	-۵/۰۵۷۹۹	-۰/۰۳۲** (۰/۰۲)	فقر
	۰/۷۹۵۶۹	۰/۷۹۱ (۰/۱۴)	ضریب جینی
	۶/۵۹۵۱۲	-۰/۰۷۹ (۰/۶۸)	شاخص توسعه انسانی

*** معناداری ضریب در سطح ۹۹ درصد،

** معناداری ضریب در سطح ۹۵ درصد،

* معناداری ضریب در سطح ۹۰ درصد.

مأخذ: یافته‌های این پژوهش.

در اینجا افزایش یک واحدی در متغیر فقر به کاهش ۰/۰۳ واحد شادکامی در کشورهای توسعه‌یافته منجر می‌شود. همچنین، نتایج معنادار بودن متغیر فقر در سطح اطمینان ۹۰ و ۹۵ درصد را تأیید کرده و فرضیه صفر را در این دو سطح رد می‌کند. ضریب جینی که نماینده وضعیت نابرابری درآمد در جوامع است، علامت منفی داشته و رابطه عکس با شادکامی دارد و همان‌طور که انتظار می‌رفت با مطالعات پیشین کاملاً از

جمله مطالعه کلارک که بیان می‌کند "نابرابری درآمد شادکامی پایین‌تری را منجر می‌شود"، هم خوانی دارد؛ اما دو متغیر نابرابری درآمد و شاخص توسعه انسانی در هیچ سطح اطمینانی معنادار نیستند. می‌توان این معنادار نبودن ضریب جینی را به وضعیت مناسب توزیع درآمد در کشورهای توسعه‌یافته مرتبط دانست. همچنین، معنادار نبودن اثرات شاخص توسعه انسانی بر شادکامی افراد در جوامع توسعه‌یافته عموماً مرتبط با سطح بالای آموزش، تبعیض جنسیت کمتر، بهداشت مناسب در این کشورها دانست. در واقع، مردم در کشورهای توسعه‌یافته عموماً از تأمین اجتماعی بالایی برخوردارند. در انتهای این بخش می‌توان به تحلیل آزمون فرضیات مطرح‌شده برای کشورهای در حال توسعه و کشورهای با توسعه یافتگی پایین پرداخت. در ابتدا همانند قبل آزمون اف لیمر کارایی مدل پانل را به اثبات می‌رساند. آزمون تشخیصی هاسمن نیز استفاده از مدل با اثرات ثابت را گزارش می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد (موجود در جدول ۴) نابرابری درآمد و شاخص توسعه انسانی دارای اثرات معناداری بر شادکامی در کشورهای در حال توسعه و کشورها با توسعه یافتگی پایین هستند.

جدول ۴. نتایج برآورد برای کشورهای در حال توسعه و با توسعه یافتگی پایین

احتمال (p-value)	درجه آزادی	آماره (کای-دو)	آزمون
۰/۰۰۰	۷۱	۵۴۴/۵۰۵***	اف-لیمر
۰/۰۰۰	۳	۲۰/۶۸۹***	هاسمن
نتایج برآورد با اثرات ثابت			
	آماره t	ضرایب	نام متغیر
	۶/۹۲۷۳	۳/۹۲۴*** (۰/۰۰۰۰)	عرض از مبدأ
	-۱/۶۲۸۱	-۰/۰۰۴* (۰/۲)	فقر
	۶/۷۹۵۴	-۰/۰۱۱* (۰/۰۸)	ضریب جینی
	۸/۲۳۳۹	۲/۸۸۷ (۰/۰۰۱)	شاخص توسعه انسانی

*** معناداری ضریب در سطح ۹۹ درصد،

** معناداری ضریب در سطح ۹۵ درصد

* معناداری ضریب در سطح ۹۰ درصد.

مأخذ: یافته‌های این پژوهش.

علامت منفی ضریب جینی و نیز علامت مثبت ضریب شاخص توسعه انسانی با انتظار از بعد نظری سازگار است و بنابر آنچه که در بخش پیشین بیان شد، با یافته‌های مطالعات پیشین درباره رابطه این متغیرها با شادکامی هم‌خوانی دارند. شاخص توسعه انسانی با ضریب $2/88$ دارای بیشترین تأثیر بر شادکامی است. در واقع، با افزایش یک واحدی در شاخص توسعه انسانی میزان شادکامی در این کشورها بیش از $2/8$ واحد افزایش خواهد یافت. همچنین، اثر متغیر فقر بر شادکامی در این جوامع دارای ضریب $0/004$ - بوده که بیانگر این است که افزایش یک واحد فقر کاهش $0/004$ واحدی در شادکامی در جوامع در حال توسعه و با توسعه یافتگی پایین را به دنبال دارد. در انتها یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نمی‌توان اثر کاهش فقر و بهبود توزیع درآمد و توسعه انسانی (بهبود سطح دانش بهداشت و درآمد) را بر شادکامی رد کرد.

۵-۳-۳. نتایج برآورد مدل اثرات ثابت دوطرفه

مدل‌های اثر ثابت با توجه به بود یا نبود روند زمانی در جمله ثابت، به مدل‌های اثر ثابت دو طرفه یا یک طرفه قابل تفکیک است. در هر دو مدل شیب رگرسیون‌ها برای تمام متغیرها در همه مقطع ثابت است. در مدل اثر ثابت دو طرفه، شیب توابع در هر مقطع ثابت است، اما جمله ثابت (عرض از مبدأ) هم با زمان و هم با مقطع تغییر می‌کند (بالتاجی^۱، ۲۰۰۵). در این قسمت وجود مدل با اثرات ثابت دوطرفه تأیید می‌شود و بیانگر این موضوع است که در طول زمان عوامل دیگری نیز بر جمله ثابت اثرگذار می‌باشند. در ادامه به بررسی مدل اثرات ثابت دوطرفه در هر سه گروه مورد بررسی می‌پردازیم.

آزمون اف-لیمر به تأیید مدل اثرات ثابت دوطرفه و استفاده از داده‌های تابلویی می‌پردازد. همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، علامت جبری ضرایب دو متغیر فقر و نابرابری درآمد منفی است. این امر گواهی بر وجود ارتباط معکوس میان این دو متغیر با شادکامی است. علامت ضریب توسعه انسانی نیز مثبت بوده که حاکی از وجود ارتباط مثبت میان توسعه انسانی و شادکامی است. در سطح اطمینان ۹۰ درصد هر سه متغیر بیان‌کننده رابطه معناداری با شادکامی هستند. بر این اساس، شاخص توسعه انسانی با ضریب $2/99$ دارای بیشترین تأثیرگذاری بر شادکامی است. ضریب

1. Baltagi

به دست آمده نشان می‌دهد که با افزایش یک واحدی در شاخص توسعه انسانی شادکامی جوامع به میزان بیش از ۲ واحد بهبود خواهد یافت. نابرابری درآمدی با ضریب ۰/۰۱۱ در رتبه دوم شدت تأثیرگذاری بر شادکامی بوده و ضریب این متغیر بیانگر کاهش ۰/۰۱۱ واحدی در شادکامی به ازای افزایش یک واحدی در نابرابری درآمد است. فقر نیز با داشتن ضریبی برابر ۰/۰۰۶ در رتبه سوم تأثیرگذاری بر شادکامی قرار می‌گیرد و به ازای یک واحد افزایش در متغیر فقر شاهد کاهش ۰/۰۰۶ واحدی در شادکامی خواهیم بود.

جدول ۵. نتایج برآورد برای تمام کشورها

آزمون	آماره (کای-دو)	درجه آزادی	احتمال (p-value)
اف- لیمر	۸۶۱/۸۸۸***	۹۹	۰/۰۰۰
هاسمن	۸/۰۹۵۲***	۳	۰/۰۴۴
نتایج برآورد با اثرات ثابت			
نام متغیر	ضرایب	آماره t	
عرض از مبدأ	۴/۰۹۶۴*** (۰/۰۰۰۱)	۳/۹۶۱۳	
فقر	-۰/۰۰۶** (۰/۰۳۳)	-۲/۱۳۶۲	
ضریب جینی	-۰/۰۱۱* (۰/۰۸۸)	۲/۸۴۶۰	
شاخص توسعه انسانی	۲/۹۹۵** (۰/۰۳۹)	۲/۰۷۱۵	

*** معناداری ضریب در سطح ۹۹ درصد،

** معناداری ضریب در سطح ۹۵ درصد

* معناداری ضریب در سطح ۹۰ درصد.

مأخذ: یافته‌های این پژوهش.

برآورد مدل اثرات ثابت دو طرفه برای کشورهای توسعه یافته معناداری متغیر فقر در سطح اطمینان ۹۰ و ۹۵ درصد را مورد تأیید قرار داده و فرضیه صفر را در این دو سطح رد می‌کند. در اینجا افزایش یک واحدی در متغیر فقر به کاهش ۰/۰۳ واحد شادکامی در کشورهای توسعه یافته منجر می‌شود. ضریب جینی علامت منفی داشته و رابطه

عکس با شادکامی دارد. دو متغیر نابرابری درآمد و شاخص توسعه انسانی در هیچ سطح اطمینانی معنادار نیستند.

جدول ۶. نتایج برآورد برای کشورهای توسعه یافته

احتمال (p-value)	درجه آزادی	آماره (کای-دو)	آزمون
۰/۰۰۰	۲۷	۱۸۴/۶۴۲***	اف-لیمر
۰/۰۰۰	۳	۱۵/۹۳۲***	هاسمن
نتایج باورد با اثرات ثابت			
	آماره t	ضرایب	نام متغیر
	۳/۱۱۷۹	۹/۱۶۲*** (۰/۰۰۳۰)	عرض از مبدأ
	-۲/۴۲۸۸	-۰/۰۳۲* (۰/۰۱۸)	فقر
	-۱/۳۶۸۶	-۰/۰۷۹۱ (۰/۱۷۷)	ضریب جینی
	۰/۳۱۱۴	۰/۷۹ (۰/۷۵)	شاخص توسعه انسانی

*** معناداری ضریب در سطح ۹۹ درصد،

** معناداری ضریب در سطح ۹۵ درصد،

* معناداری ضریب در سطح ۹۰ درصد.

مأخذ: یافته‌های این پژوهش.

در این مدل برای کشورهای در حال توسعه و با توسعه‌یافتگی پایین آزمون تشخیصی F-Limer متفاوت بودن عرض از مبدأ مقاطع در سطح معناداری ۹۹ درصد را بیان می‌کند و آزمون هاسمن نیز مؤید استفاده از مدل با اثرات ثابت است. همان‌طور که در جدول ۷ ملاحظه می‌شود، علامت منفی فقر و ضریب جینی و نیز علامت مثبت ضریب شاخص توسعه انسانی با انتظار از بعد نظری سازگار است. شاخص توسعه انسانی با ضریب ۲/۷۷ دارای بیشترین تأثیر بر شادکامی است. در واقع، با افزایش یک واحد در شاخص توسعه انسانی میزان شادکامی در این کشورها بیش از ۲/۷۷ واحد افزایش خواهد یافت. افزون بر این، اثر متغیر فقر بر شادکامی در این جوامع دارای ضریب ۰/۰۰۴- بوده که بیانگر این است که افزایش یک واحد فقر کاهش ۰/۰۰۴ واحدی در

شادکامی در جوامع در حال توسعه و با توسعه یافتگی پایین را به دنبال دارد. افزایش یک واحدی در نابرابری درآمد که با ضریب جینی نشان داده شده نیز به کاهش ۰/۰۰۹ واحدی در شادکامی منجر می‌شود.

جدول ۷. نتایج برآورد برای کشورهای در حال توسعه و با توسعه یافتگی پایین

احتمال (p-value)	درجه آزادی	آماره (کای-دو)	آزمون
۰/۰۰۰	۷۱	۵۴۴/۵۰۵***	اف-لیمر
۰/۰۰۰	۳	۲۰/۶۸۹***	هاسمن
نتایج برآورد با اثرات ثابت			
آماره t	ضرایب	نام متغیر	
۱۸/۶۶۲۸	۳/۹۱۰*** (۰/۰۰۰۰)	عرض از مبدأ	
-۲/۹۵۷۰	-۰/۰۰۴*** (۰/۰۰۳۷)	فقر	
-۱/۹۹۷	-۰/۰۰۹** (۰/۰۴۷)	ضریب جینی	
۳/۹۲۱	۲/۷۷۶*** (۰/۰۰۰۱)	شاخص توسعه انسانی	

*** معناداری ضریب در سطح ۹۹ درصد.

** معناداری ضریب در سطح ۹۵ درصد

* معناداری ضریب در سطح ۹۰ درصد.

مأخذ: یافته‌های این پژوهش.

۵-۳-۴. نتایج برآورد مدل مختلط (اثرات تصادفی مکان و اثرات ثابت زمان)

در این قسمت به آزمون این مسأله خواهیم پرداخت که آیا برای بررسی مسأله شادکامی در بین کشورها، عواملی وجود دارند که تنها در طول زمان تغییر کنند، اما از کشوری به کشور دیگر ثابت باشند؟ استفاده از این الگو در کاربردهای تجربی استفاده چندانی ندارد، زیرا این گونه متغیرهای دارای اندیس زمان، تعدادشان محدود بوده و عموماً قابل اندازه گیری هستند. تنها کاربرد این گونه مدل‌ها در زمانی است که تعداد دوره‌های زمانی کم، ولی تعداد مقاطع مکان (یا کشورها) زیاد باشد. این پژوهش در این دسته قرار

می‌گیرد، به همین منظور به بررسی معناداری توأمان اثرات تصادفی مکان و اثرات ثابت زمان پرداخته‌ایم.

جدول ۸. نتایج برآورد برای تمام کشورها

احتمال (p-value)	درجه آزادی	آماره (کای-دو)	آزمون
۰/۰۲	(۲و۲۹)	۳/۹۳۶۴**	اف- لیمر
۰/۰۴۴	۳	۸/۰۹۵۲***	هاسمن
نتایج برآورد با اثرات ثابت			
	آماره t	ضرایب	نام متغیر
	۷/۷۹۴۸	۳/۰۵۵۹*** (۰/۰۰۰۰)	عرض از مبدأ
	-۱/۴۸۶۱	-۰/۰۰۴ (۰/۱۳۸)	فقر
	-۰/۵۴۴۶	-۰/۰۰۲ (۰/۵۸۶)	ضریب جینی
	۱۰/۰۰۰۵	۳/۹۱۰۰*** (۰/۰۰۰)	شاخص توسعه انسانی

*** معناداری ضریب در سطح ۹۹ درصد،

** معناداری ضریب در سطح ۹۵ درصد،

* معناداری ضریب در سطح ۹۰ درصد.

مأخذ: یافته‌های این پژوهش.

مطابق رویه پیشین، انجام آزمون اف-لیمر وجود تفاوت میان عرض از مبدأ مقاطع را تأیید کرده و آزمون هاسمن نیز استفاده از مدل اثرات ثابت در مقابل اثرات تصادفی را پیشنهاد می‌کند. در اینجا تنها شاخص توسعه انسانی در سطح اطمینان ۹۹ درصد دارای اثر مثبت معناداری بر شادکامی است. علامت جبری منفی متغیر فقر و نابرابری درآمد وجود رابطه عکس میان این دو متغیر و شادکامی را مورد تأیید قرار می‌دهند.

جدول ۹. نتایج برآورد برای کشورهای توسعه یافته

احتمال (p-value)	درجه آزادی	آماره (کای-دو)	آزمون
۰/۰۰۲	(۲ و ۷۸)	۶/۷۰۹۹***	اف-لیمر
۰/۰۰۱۲	۳	۱۵/۹۳۲۳***	هاسمن
نتایج برآورد با اثرات ثابت			
ت-آماره	ضرایب	نام متغیر	
۴/۱۴۸۰	۵/۴۵۰۸*** (۰/۰۰۰۱)	عرض از مبدأ	
-۵/۶۵۸۴	-۰/۰۵۰۵*** (۰/۰۰۰۰)	فقر	
-۱/۲۳۶۶	-۰/۰۱۸** (۰/۲۱۹)	ضریب جینی	
۲/۴۳۱	۳/۰۹۹*** (۰/۰۱۷)	شاخص توسعه انسانی	

*** معناداری ضریب در سطح ۹۹ درصد،

** معناداری ضریب در سطح ۹۵ درصد،

* معناداری ضریب در سطح ۹۰ درصد.

مأخذ: یافته‌های این پژوهش.

همان‌طور که در جدول ۹ مشاهده می‌شود، عرض از مبدأ متفاوت برای مقاطع و مدل با اثرات ثابت توسط دو آزمون اف-لیمر و هاسمن برای کشورهای توسعه‌یافته تأیید می‌شود. متغیر فقر و ضریب جینی هر دو دارای اثر منفی و معناداری بر شادکامی بوده و با یک واحد کاهش در فقر و ضریب جینی شادکامی به ترتیب ۰/۰۵ و ۰/۰۱۸ واحد افزایش می‌یابد. شاخص توسعه انسانی نیز اثر مثبت و معناداری بر شادکامی دارد. در پایان با برآورد مدل مختلط برای کشورهای در حال توسعه و با توسعه‌یافتگی پایین به نتایج متفاوتی دست یافتیم. آزمون اف-لیمر وجود داده‌های تابلویی را نشان داده و فرضیه اول مبنی بر یکسان بودن عرض از مبدأها پذیرفته می‌شود و نشان می‌دهد انجام آزمون‌های دیگر امکان‌پذیر نیست.

۶. نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها

در این مقاله با توجه به داده‌های در دسترس، به بررسی اثر سه متغیر فقر، نابرابری درآمد و شاخص توسعه انسانی که از متغیرهای مهم اقتصادی هستند، بر شادکامی پرداختیم. به منظور برآورد مدل از داده‌های تابلویی یک نمونه شامل ۱۰۰ کشور جهان در دوره ۲۰۱۲-۲۰۰۵ استفاده کردیم. برآورد را برای کل کشورها و سپس دو گروه کشورهای توسعه‌یافته، کشورهای در حال توسعه و با توسعه‌یافتگی پایین انجام دادیم. نتایج برآورد رگرسیون شادکامی روی سه متغیر مستقل فقر، توسعه انسانی و نابرابری درآمد نشان داد که در دو گروه کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه و با توسعه‌یافتگی پایین و در کل کشورها فقر اثر منفی بر شادکامی دارد. در دو گروه کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه و با توسعه‌یافتگی پایین و در کل کشورها نابرابری درآمد (ضریب جینی)، اثر منفی بر شادکامی دارد. همچنین، نتایج رابطه مثبت میان توسعه انسانی و شادکامی را در کل و به تفکیک گروه کشورهای مورد مطالعه نشان می‌دهد. یافته‌های پژوهش به نقش پراهمیت عوامل اقتصادی نظیر فقر و نابرابری درآمد بر شادکامی دلالت دارد. در نتیجه، برنامه‌ریزی در مسیر اتخاذ سیاست‌های مناسب برای کاهش فقر و بهبود در توزیع درآمد امری ضروری است. سیاست‌های مالی (یارانه و مالیات) و تأمین اجتماعی می‌تواند نقش مهمی در کاهش فقر و بهبود در توزیع درآمد داشته باشد. افزون بر این، شاخص توسعه انسانی به عنوان عاملی اقتصادی و اجتماعی بر شادکامی با اهمیت قلمداد شد. به یقین، بهبود و افزایش سطح آموزش و بهداشت به منظور دسترسی به دانش و معرفت و زندگی طولانی و سالم و همچنین ایجاد بسترهای مناسب برای دستیابی افراد به سطح زندگی مناسب به توسعه انسانی بالاتر برای کشورها منجر شده که به طور مستقیم باعث افزایش شادکامی می‌شود. از این رو سیاست‌های مناسب در جهت افزایش رشد و توسعه اقتصادی هدفمند همراه با سیاست‌های توزیعی مناسب می‌تواند به توسعه انسانی بالاتر کاهش فقر و با برابری بیانجامد و شادکامی را به ارمغان آورد.

منابع

- آرگایل، مایکل. (۱۳۸۲). روانشناسی شادی. ترجمه مسعود گوهری انارکی و همکاران. انتشارات جهاد دانشگاهی واحد اصفهان.

- آزموده، پیمان؛ شهیدی، شهریار و دانش، عصمت. (۱۳۸۶). رابطه بین جهت‌گیری مذهبی با سرسختی و شادکامی در دانشجویان. فصلنامه روانشناسی، دوره ۲۱، سال یازدهم، شماره ۱، صص ۶۰-۷۴۴.
- جلالی، محسن. (۱۳۸۷). بررسی و برآورد ضریب جینی در ایران. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال دوازدهم، شماره ۳۶، صص ۱۱۵-۱۳۴.
- عابدی، محمدرضا؛ میرشاه‌جعفری، سید ابراهیم و لیاقت‌دار، محمدجواد. (۱۳۸۵). هنجاریابی پرسش‌نامه شادکامی آکسفورد در دانشجویان دانشگاه‌های اصفهان. روان‌پزشکی و روانشناسی بالینی ایران. دوره ۱۲ شماره ۲، صص ۹۵-۱۰۰.
- فرزادفر، منیر. (۱۳۸۵). بررسی شادکامی به شیوه فوردایس در کاهش افسردگی زنان بی‌سرپرست تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.
- کمال‌الدین، شهرین. (۱۳۷۷). شما همان باورهای خود هستید. ترجمه مهدی قراچه‌داغی. تهران: نشر اوحدی.
- نیلی، فرهاد و بابازاده خراسانی، بهزاد. (۱۳۹۱). شناسایی عوامل مؤثر بر رفاه ذهنی در ایران، پژوهش‌های پولی-بانکی، سال ۶، شماره ۱۴، صص ۲۷-۴۸.
- یزدانی، فضل‌الله و آزاد، حسین. (۱۳۸۲). بررسی رابطه بین نگرش دینی، سبک مقابله‌ای و شادکامی در دختران و پسران دبیرستان اصفهان در سال تحصیلی ۸۱-۸۲. دانش و پژوهش در علوم تربیتی، سال پنجم، شماره ۱۶، تابستان، صص ۲۹-۴۶.
- Alesina, A. Di Tella, R. & MacCulloch, R. (2004). Inequality and Happiness. Are Europeans and Americans Different? *Journal of Public Economics*, Vol. 88, issues 9- 10. pp.2009-2042.
- Alois, P. (2014). Income Inequality and Happiness: Is There a Relationship? LIS working paper series, No.614.
- Baltagi, B.H. (2005), *Econometric Analysis of Panel data*. Wiley.
- Berg, M. & Veenhoven, R. (2010). *Income Inequality and Happiness in 119 Nations*.

- Clark, A. (2012). The Great Happiness Moderation. Institute for the Study of Labor. Discussion Paper No. 6761.
- Clark, A.E. & Oswald, A.J. (1994). Unhappiness and Unemployment. *The Economic Journal*. Vol. 104, issue 424, pp. 648-659.
- Deaton, A. (2007). Income, Aging, Health and Wellbeing around the World: Evidence from the Gallup World Poll. *National Bureau of Economic Research*. NBER Working Papers 08/2007.
- Easterlin, R.A. (1974). Does Economic Growth Improve the Human Lot? Some Empirical Evidence. In Nations and Households in Economic Growth: essays in honor of Moses Abramovitz, ed. P.A. David and M.W. Reder, 89-125. New York: Academic Press.
- Graham, C. & Felton A. (2006). Inequality and Happiness: Insights from Latin America. *Journal of Economic Inequality*, Vol.4, No.1, pp.107-122.
- Hagerty, M. (2000). Social Comparisons of Income in One's Community: Evidence from National Surveys of Income and Happiness. *Journal of Personality and Social Psychology*, Vol.78, No.4, pp.764-771.
- Helliwell, J.F. (2003). How's Life? Combining Individual and National Variables to Explain Subjective Well-being. *Economic Modelling*, Vol.20, No.2, pp. 331-360.
- Helliwell, J., Christopher P., Barrington-Leigh, H., A. and Huang, H. (2009). International Evidence on the Social Context of Wellbeing. *NBER Working Paper 14720*.
- Helliwell, J.F., Layard, R. & Sachs, J. (Eds.). (2013). *World Happiness Report 2013*. Sustainable Development Solutions Network.
- Jiang, S. Lu. M. & Sato, H. (2012). Identity, Inequality, and Happiness: Evidence from Urban China. *World Development*, Vol.40, No.6, pp. 1190-1200.
- Kahneman, D. & Deaton, A. (2010). High Income Improves Evaluation of Life but not Emotional Well-being. *Proceedings of the National Academy of Sciences*, Vol.107, No.38, pp. 16489-16493.

- Knutsen, C.H. (2011). GDP, Inequality, Democracy and the Happiness of Nations. Department of Political Sciences, University of Oslo.
- Kousha, M. & Mohseni, N. (2000). Are Iranians Happy? A Comparative Study between Iran and the United States. *Social Indicator Research*, Vol. 52, Issue 3, pp. 259-289.
- Lane, R.E. (2000). Diminishing Returns to Income, Companion-ship-and Happiness. *Journal of Happiness Studies*, Vol.1, No.1, pp. 103-119.
- Layard, R. (2005). *Happiness: Lessons from a New Science*. Penguin press.
- Marilou, I., & Kiohos, A. (2012). Subjective Well-Being and Selected Economic, Demographic, and Job Factors in OECD Countries. *Advances in Management and Applied Economics*, Vol.2, No.3, pp.71-81.
- Ott, J. (2001). Did the Market Depress Happiness in the US? *Journal of Happiness Studies*. Vol.2, No.4, pp.433-443.
- Proto, E. & Rustichini, A. (2013). A Reassessment of the Relationship between GDP and Life Satisfaction. PloS one, Vol.8, No.11, Article number e79358. ISSN 1932-6203.
- Sacks, D.W., Stevenson, B. & Wolfers, J. (2012). The New Stylized Facts about Income and Subjective Well-being Emotion, Vol.12, No.6, pp.1181-1187.
- Sen, A.K. (1985a), Well-being, Agency and Freedom: the Dewey Lectures, *Journal of Philosophy*, Vol.82, No.4, pp.169-221.
- Stevenson, B., & Wolfers, J. (2008). Happiness Inequality in the United States (No. w14220). *National Bureau of Economic Research*, No. w14220.
- Veenhoven, R. (1994). World Database of Happiness: Correlates of Happiness: 7837 Findings from 603 Studies in 69 Nations 1911-1994, Erasmus University Rotterdam. Vols.1-3, Erasmus University Rotterdam.